



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بختمان در این بود که در سیاست اسلامی حکومت اسلامی احتیاج شدید دارد به اینکه دارای لشکر و سپاه و جندی باشد تا از حکومت و ارزش ها محافظت و نگهداری شود از این جهت اسلام در کادر سازی خود فرقه ای بنام مجاهدین معرفی کرده که در قران و روایات و فرهنگ ما دارای جایگاه بسیار بلندی می باشند: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾<sup>۱</sup> مراد ما از مجاهد کسانی هستند که فی سبیل الله جهاد کنند و در ده جای قران درباره جهاد کلمه "فی سبیل الله" بکار برده شده است لذا جهاد با جنگ فرق دارد، در جنگ هدف تسلط بر آب و خاک و منافع دیگران و کشور گشائی و گسترش قلمرو حکومت می باشد اما در جهاد اسلامی توجه به افراد است و در واقع می خواهند افراد را اصلاح و انسان سازی کنند از این جهت در آیه شریفه دو دسته ذکر شده اند که باید هر دو معلوم و مشخص باشند، در آیه بعدی اینطور ذکر شده: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾<sup>۲</sup>، در آن سیزده سال بعد از بعثت که پیغمبر اسلام در مکه بودند فقط سعی در این داشتند که مردم را با ایمان کنند و ارزش های جاهلی را از میان بردارند و عقیده و ایمان و ارزش های اسلامی و الهی را تثبیت کنند اما در همان موقع چونکه حضرت با کفار و مشرکین و منافقین مواجه بود خیلی ها به ایشان می گفتند اجازه بدهید ما بجنگیم ولی حضرت می فرمودند فعلا وقتش نیست دست نگه دارید اما بعدا که به مدینه آمدند جنگ ها شروع شدند در واقع پیغمبر خدا در کادر سازیش ابتداء با مردمی مواجه بود که کاملا پخته نشده بودند لذا آیات جهاد نیز ترتیب دارند .

مطلب دیگر اینکه ما در قران دوتا "نفر" داریم، نفر یعنی خروج از خانه و حرکت و بروز و ظهور در جامعه، یک نفر مال علماء و نفر دیگر مال مجاهدین است، هم علماء و هم مجاهدین نباید ساکت باشند بلکه باید در جامعه حرکت کنند و بروز و ظهور داشته باشند،

الان همین همایش ها و رزمایش هائی که واقع می شود بسیار خوب است اگر مجاهدین بخواهند فقط در پادگان ها بمانند درست نیست بلکه باید بروز و ظهور داشته باشند و خودشان را به جامعه و دنیا نشان بدهند، و اما "نفر" اول مربوط به علماء می باشد: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾<sup>۳</sup>، تفقه در دین کلمه بسیار بزرگی می باشد چون دین در تمام ابعاد دستور دارد و ما باید آن دستورات را عمیقاً و دقیقاً بفهمیم، در سوره توبه مطالب فراوانی در مورد "نفر" مجاهدین وجود دارد و در چند آیه "نفر" ذکر شده است؛ اول: ﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾<sup>۴</sup>، دوم: ﴿إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾<sup>۵</sup>، سوم: ﴿وَ قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرْبِ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ﴾<sup>۶</sup>، و اما در آیات دیگری نیز "نفر" بیان شده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا﴾<sup>۷</sup>، اینها آیات مهمی هستند که برای ما نیز تکلیف ایجاد می کند که "نفر" و کوچ و حرکت از خانه و کاشانه هم برای علماء و هم برای مجاهدین لازم می باشد.

کتابی داریم بنام "شهداء الفضيلة" تألیف علامه امینی صاحب الغدير که ۱۲۱ یک نفر از علماء را نام برده که شهید شده اند یعنی هم قهرمان میدان علم و هم قهرمان میدان جهاد بوده اند پس علماء علاوه بر تحصیل علم باید در اجتماع نیز حضور داشته باشند ولو اینکه به کشته شدن آنها منجر شود.

بنده یادداشت هائی دارم از ابتداء قیام و حرکت امام رضوان الله علیه، در عصر عاشوراء سال ۴۲ بعد از اینکه طغیان طاغوت بسیار شدید بود کار به جائی رسیده بود که از منبری ها تعهد میگرفتند که در مورد سه موضوع صحبت نکنند؛ اول اینکه نگویند اسلام در خطر است، دوم اینکه درباره اسرائیل صحبت نکنند و سوم اینکه علیه شاه صحبت نکنند، اما در عصر عاشوراء می توان گفت امام رضوان الله علیه "نفر" خودشان را شروع کردند، ایشان با اطلاع قبلی به مدرسه فیضیه آمدند و مردم نیز از شهرهای مختلف آمده بودند و خلاصه جمعیت زیادی جمع شده بودند، ایشان مطالب بسیاری را بر علیه شاه و طاغوت بیان کردند من جمله اینکه فرمودند شما آقایان قم ملاحظه فرمودید آن روزی که آن رفراندوم غلط و مفتضح انجام گرفت (رفراندوم شاه که مردم سلطنت را می خواهند) آن رفراندومی

<sup>۳</sup> سوره توبه، آیه ۱۲۲.

<sup>۴</sup> سوره توبه، آیه ۴۱.

<sup>۵</sup> سوره توبه، آیه ۳۹.

<sup>۶</sup> سوره توبه، آیه ۸۱.

<sup>۷</sup> سوره نساء، آیه ۷۱.

<sup>۱</sup> سوره نساء، آیه ۷۶.

<sup>۲</sup> سوره نساء، آیه ۷۷.

فرمودند افضل جهاد آن است که انسان کلمه حقی را پیش سلطان جائر بگوید و بعد کشته شود، ایشان می گوید این کلام حضرت را باید توجیه کرد چون قتل مفسده دارد و نمی از منکر در جائی که مفسده نباشد واجب است، و اما محدث قمی نیز در کتاب الکنی والألقاب جلد ۱ صفحه ۳۶۷ در حالات ابن سکیت که اهل اهواز بوده و در ادبیات فوق العاده تخصص داشته و و از خواص اصحاب امامین تقیین علیهما السلام و ثقه بوده و در زمان متوکل عباسی بوده و ائمه علیهم السلام را نیز درک کرده بوده می فرماید تربیت و آموزش دو پسر متوکل با او بوده، روزی متوکل از ابن سکیت سوال کرد که این دو پسر من بختزند یا حسن و حسین علیهما السلام؟ ابن سکیت گفت حسن و حسین علیهما السلام که هیچ والله قنبر غلام امیرالمومنین علیه السلام از تو و از فرزندان بالاتر و بخت می باشد، متوکل که یک ناصبی سرسخت و قدرتمند بود دستور داد اتراک که جلاد بودند آمدند و گفت زبانش را از پشت گردنش بیرون بکشید و همین کار را کردند، محدث قمی مقام بسیار بالائی دارد ولی بعد از ذکر احوالات ابن سکیت می گوید ابن سکیت خیلی مردم را از لغزشهای زبان می ترسانده و حتی در شعری گفته انسان از لغزیدن پا کشته نمی شود اما از لغزش زبان انسان گرفتار می شود اگر در گفتار انسان اشتباه کرد سرش از بین می رود ولیکن اگر با پایش لغزید می افتد و خوب می شود، منتهی خودش گرفتار همین لغزش شد! ما عرض می کنیم این اشتباه بزرگی از محدث قمی اعلی الله مقامه می باشد، ابن سکیت جهاد کرده بلکه افضل الجهاد کرده یک مردی بوده که آگاهانه نمی از منکر و جهاد کرده، محدث قمی در ادامه می فرماید علامه مجلسی نیز گفته امثال اینها می توانستند تقیه کنند ولیکن گاهی به غضب می آمدند و نمی توانستند خودشان را کنترل کنند و بدون اختیار اینطور می کردند، ما عرض می کنیم این حرف هم درست نیست زیرا اینها یک افرادی بوده اند که دانسته و آگاهانه به استقبال شهادت رفته اند و این افضل جهاد است که انسان با یک جائر ظالم روبرو شود و نمی از منکر کند بنابراین توجیحات صاحب تفسیر مجمع البیان و محدث قمی درست نیست برخلاف امام رضوان الله علیه که چنین نظری ندارند بلکه می فرمایند در فرض مذکور باید قیام و جهاد و نمی از منکر کرد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

که چند هزار نفر بیشتر همراه نداشت و برخلاف میل ملت ایران انجام گرفت در همین کوچه های قم و در مرکز روحانیت و در جوار فاطمه معصومه افرادی از بچه ها و اراذل را راه انداختند و در کوچه ها و خیابان ها می گشتند و می گفتند مفت خوری تمام شد پلو خوری تمام شد! آقایان ملاحظه کنید این مدرسه فیضیه است ببینید علمائی که در اینجا زندگی می کنند چی دارند و شما چه سرمایه هائی دارید! آن وقتی که حاج شیخ عبدالکریم فوت شد آقازاده ها همان شب شام نداشتند حالا ما مفتخوریم، خلاصه این حرکت باعث شد که ایشان را به تهران بردند و حبس کردند، وقتی برگشتند مجددا در سال ۴۳ درباره کاپیتلاسیون صحبت کردند و بعد به ترکیه و نجف تبعید شدند خلاصه این "نفر" امام رضوان الله علیه بود، بنابراین در قران کریم ما آیاتی درباره اینکه بایستی علماء و مجاهدین حرکت و خروج و بروز و ظهور در صحنه اجتماع داشته باشند داریم.

مطلب دیگر اینکه خداوند متعال می خواهد ارزش جهاد را به ما نشان بدهد لذا می فرماید: ﴿أَجْعَلْنٰمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾<sup>۸</sup>، عباس عموی پیغمبر سقایة الحاج بود و آب آشامیدنی حجاج را فراهم می کرد و از طرفی طلحة بن شیبه نیز کلید دار خانه کعبه بود، این دو نفر یک روزی در حضور حضرت امیر علیه السلام به کار خودشان افتخار می کردند که این آیه شریفه نازل شد، در تفسیر برهان جلد ۳ صفحه ۳۸۱ ده روایت در مورد اینکه نزول این آیات مربوط به فضیلت علی بن ابی طالب علیهما السلام نسبت به عباس و طلحة بن شیبه می باشد نقل کرده است، استاد بزرگوار ما آیت الله طباطبائی نیز در تفسیر المیزان جلد ۹ صفحه ۲۱۲ مطلب خیلی عالی بیان می کند و می فرماید در اسلام آن عملی ارزش و قیمت دارد که در جامعه موج و روح و حرکت به سمت ارزش ها ایجاد کند مثل جهاد و شهادت و در این آیه نیز خداوند متعال می فرماید جهاد امیرالمومنین علیه السلام موج و حرکت ایجاد می کند.

موضوع دیگر این است که در مجمع البیان جلد ۲ صفحه ۳۲۵ در تفسیر آیه ۲۱ و ۲۲ از سوره آل عمران: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّيْنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يُأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (۲۱) أولئك الذين خبّطت أعمارهم في الدنيا و الآخرة و ما لهم من ناصرين (۲۲) می فرماید این آیات مربوط به بنی اسرائیل است و بعد این بحث را پیش می کشد که اگر کسی بخواهد نمی از منکر کند ولی بدانند که منجر به قتلش می شود نباید نمی از منکر بکند و بعد روایتی را از پیغمبر نقل می کند که

<sup>۸</sup> سوره توبه، آیه ۱۹.

<sup>۹</sup> سوره آل عمران، آیه ۲۱ و ۲۲.